







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه شانزدهم — دور یازدهم — ۲۳ مرداد ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

پرسش ۱:



« مورد: ۵۰۳ »:

« زئْت » یعنی چه؟



« زُلت » متضادُّ با « ثبات »

یعنی:

« لغزیدن، سُر خوردن، ریزش »،

و در راهِ « حَقِّ »، « متزلزل شدن »:

وَلَا تَتَّخِذُوا اٰیْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ

فَتَرْزِلُ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا

.... (نحل/۹۴)

و مبادا سوگندهایتان را دستاویز « تقلب » میان خود قرار دهید،

تا گامی بعد از استواریش بلغزد

فَاَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

فَاَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (بقره/۳۶)

پس شیطان آن دو را از آن « بلغزانید »،
و از آنچه در آن بودند آنها را درآورد

پرسی ۲:



عاملِ « لغزش » انسان چیست؟

« **ضعفِ اراده** و **ایمان** »،

و « **گناهان** »،

عاملِ « **تزلزل** » انسان است:

فَإِنْ زَلَلْتُمْ

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ **الْبَيِّنَاتُ**

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره/۲۰۹)

پس اگر بعد از آمدن دلایل روشن (و اتمام حجّت)، دچار لغزش شوید، بدانید که خداوند (در مجازات شما)، مقتدری حسابگر و حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ
إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا

... (آل عمران / ۱۵۵)

در روزی که دو گروه (در اُحد) با هم رویارو شدند آنها که از میان شما پشت کردند در واقع،
به خاطر برخی از آنچه (از گناه) کسب کرده بودند، شیطان آنها را لغزانید

پرسش ۳:



چه «آبی»، «زالال» است؟

« آبی زلال » است که:

« خالص و گوارا و صاف و شفاف » باشد،

و هر « ذرهٔ متحرکی »،

به راحتی در آن « دیده » شود.

پرسش ۴:



« زلزله » چیست؟

« زلزله»، « لرزش شدیدی » است که:

از « ریزشِ طبقات پوسته زمین »،

در سطح وسیع پدید می آید:

« إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا »

پرسشی ۵:



» مورد: ۵۰۴ «:

» ذلت « یعنی چه؟



« ذُلّت » متضادّ با « عزّت » یعنی:

در برابر « حوادث و مشکلات و دشمنان »،

انسان « خودش » را

« خوار و کوچک و ناتوان و پائین » ببیند.

ز ل ت

لفز ید ن
لفز ش
خطا و گناه

ذ ل ت

خوار شدن
ذلیل شدن
بدبختی و پستی

« چند نمونه » از

« ذلت » و « خواری »:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ

وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (آل عمران/ ۱۲۳)

و یقیناً خدا شما را در (جنگ) بدر در حالی که ناتوان بودید، یاری کرد.

این « ذلت » به خاطر:

« ضعف در تجهیزات » و « کمبود نفرات » نسبت به دشمن بود.

قَالَتْ: إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا

وَجَعَلُوا أَعِزَّهُ أَهْلَهَا **أَذِلَّةً**

وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل/۳۴)

(ملکه) گفت: شاهان وقتی وارد شهری شوند آن را تباه می کنند،

و « عزیزانِ » آن را به « خواری » می کشند و اینگونه می کنند.

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا

وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

(نمل/۳۷)

(سلیمان فرمود:) به سوی آنها برگرد که قطعا سپاهیانى بر آنها مى آوریم که

در برابر آنها تاب ایستادگى نداشته باشند،

و از آنها با « خوارى » و « زبونى » بیرونشان مى کنیم.

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ
يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا

.... وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ

وَبَاؤُ بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ... (بقره/۶۱)

وقتی گفتید: ای موسی؛ ما هرگز نمی‌توانیم «یک خوراکی» را تحمل کنیم،

از خدایت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند مانند: سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند
و داغ خواری و درماندگی بر آنها زده شد و گرفتار خشم خدا شدند زیرا آنها به آیات خدا کفر ورزیدند ...

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ

أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ
وَ بَاؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ... (آل عمران/ ۱۱۲)

(منافقین) هر کجا باشند به خواری دچارند مگر آنکه به خدا و مردم پناه برند،

و به خشمِ الهی گرفتارند و بینوایی بر آنها زده شده زیرا به آیات خدا کفر می‌ورزند

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (أعراف/١٥٢)

آنها که گوساله را پرستیدند به زودی خشمی از خدایشان و خواری در زندگی دنیا

به آنها خواهد رسید و ما « این دروغ‌بافان » را قطعاً مجازات می‌کنیم.

پریشانی:



عاملِ اصلی «ذلت» چیست؟

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (مجادله / ٢٠)

همانا آنها که با خدا و رسول او « دشمنی » می‌ورزند،
آنها در جمع « افراد خوار و سرافکنده » خواهند بود.

پس:

« **عزّت** » و « **ذلت** » پایدارِ انسان،

تابعِ « **توجّه** » او

به « **خدا** » یا « **خلق** » است:

قُلْ: اللَّهُمَّ؛ مَا لِكَ الْمُلْكِ....

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ

بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران/ ۲۶)

بگو: خدایا؛ تویی که فرمانفرمای جهانید ... و هر که را لایق بینی عزت می بخشی
و هر که را لایق بینی خوار می کنی همه خوبیها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی.

پرسش ۶:



دو « مشخّصه » بهشتیان؟

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا، الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ،

وَلَا يَرْهَقُ وَجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (یونس/۲۶)

برای آنها که «زیباشناس و زیباگزین و حُسن آفرین» اند، «تمام نیکویی» و «زیادتر» از آنست،
چهره‌هایشان را «غبار و سرافکندگی» نمی‌پوشاند، آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود.

پرستی ۷:



دو « مشخّصه » جهنمیان؟

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا

وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ

كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا،

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (یونس/۲۷)

و آنها که مرتکب بدیها شده‌اند (بدانند که) جزای بدی مانند آنست و «خواری» آنها را فرو می‌گیرد، در مقابل خدا «هیچ حمایتگری» ندارند، گویی چهره‌هایشان با «تکه‌ای از شب تار» پوشیده شده، آنها هم‌نشین آتشند که در آن جاودانه خواهند بود.

پرستی ۸:



۲ « ثمره » تبعیت از رسول الهی؟

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا: رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

مِن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى؟

(طه/۱۳۴)

و اگر ما آنها را قبل از (اسلام و قرآن) با عذابی هلاک می کردیم قطعاً معترضانه می گفتند:
خدایا؛ چرا رسولی برایمان نفرستادی تا قبل از خوار و رسوا شدنمان از آیات پیروی کنیم؟

پریشانی: ۹



کدام « فروتنی بی فایده » است؟

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلٰلِ

يَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ خَفِيٍّ

... أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری/۴۵)

آنان را می بینی که بر (آتش) عرضه می شوند از (شدت) « زبونی »، « فروتن » شده اند،

و زیرچشمی (به بهشتیان) می نگرند

آری ستمکاران در عذابی پایدارند.

« فروتنی » در حال افتادن در جهنم هیچ ارزشی ندارد:

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ

وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ (قلم/۴۳)

دیدگانشان به زیر افتاده و « سرافکندگی » آنها را فرو می گیرد،

در حالی که (قبلاً در دنیا) به سجده دعوت می شدند و تندرست بودند.

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ

ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

(معارج/۴۴)

دیدگانشان فرو افتاده (و غبار) مَذَلَّتْ آنها را فرو گرفته،
اینست آن روزی که (در دنیا) به آنها وعده داده می شد.

پرسش ۱۰:



فرق «تواضع» با «ذلت» چیست؟

انسان باید نسبت به:

« خالق » خود « **خشوع** قلبی »،

و نسبت به « **مخلوق** »،

« **تواضع** رفتاری » داشته باشد.

لذا فردِ «**متواضع**» خود را از خدا و در محضرِ او می‌بیند،

بدونِ «**تکبر**» و بدونِ «**توقعاتِ مادی**»،

و بدونِ «**تحقیر**» دیگران با «**امتیازات**» خود،

تمام «**توانائی‌های**» خود را (که آنها را امانت می‌داند،)

نسبت به «افرادِ لایق» مؤمنانه «**ابراز**» می‌کند.

اما انسانِ « **ذلیل** » (با اینکه ممکن است خدا را هم قبول داشته باشد)،

اما با احساسِ « **خود کم بینی** و **خود بزرگ بینی** »،

و به خاطر « **توقعاتِ مادی** و **دنیوی** و **فوری** »،

« **توانائی‌ها** و **امکانات** و **حمایت** » خودش را

در « **خدمتِ دشمنانِ انسانیّت** و **حقّ** » قرار می‌دهد.

غالبِ مردم قبول دارند که همه چیز، « دست خدا » است،
اما می‌پندارند اگر پول و پارتی و ... نداشته باشند خوشبخت نمی‌شوند.
می‌گویند: قبول داریم که « همه کاره » فقط « خدا » است،
اما اگر دیگران پشت سر من حرف بزنند و اُبرویم را ببرند، چه؟
آنها با اینکه می‌دانند « عزّت » از « خداوند » است،
⁵⁷ ولی دائماً نگرانند که مبادا در « آینده » دچار زیان شوند.

بِسْمِ اللَّهِ تَكْبِيرُ وَ قُدْرَتِ نَمَائِی

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

هیچ کس تکبر و قدرت نمایی نمی ورزد، مگر
بِخاطر دلتی که در درون خویش می یابد و احساس
می کند. [تکبر، نتیجه کمبود شخصیت است.]

منبع حدیث: اصول کافی،

جلد دوم، صفحه ۳۱۲

پریشی ۱۱:



مخلوقِ «ذلیل» کدامست؟





وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ

(یس/۷۲)

و « حیوانات » را برایشان « رام » کردیم،
آن طور که از برخی از آنها سواری می گیرند.



بَقْرَهُ

لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ (بقره/۷۱)

آن گاو ماده، آنقدر رام نیست که زمین را شخم بزند.



هُوَ الَّذِي

جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا ... (مُلْك/ ١٥)

اوست آنکه زمین را برایتان رام کرد تا بر آن حرکت کنید ...





پرسش ۱۲:



« دَلَّتِ مَثَبِ » چيست؟

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ

وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

(إسراء/٢٤)

و از سر مهربانی، بال فروتنی و فرمانبرداری بر آن دو بگستر،
و بگو خدایا؛ آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

خودت را پیش والدین ذلیل کن

کوچکی نسبت به والدین هم از موارد استثنایی است.
انسان پیش والدین باید خودش را کوچک بکند؛
«واخفض لهما جناح الذل» خودت را در مقابل پدر
و مادرت ذلیل کن. در حالی که انسان مسلمان پیش
هیچ کس نباید ذلیل بشود، اما پدر و مادر مستثنا
هستند!



بیانات امام خمینی در دیدار معلمان
نمونه گزین: ۱۳/۱۴/۱۳۷۰



امام صادق (ع) می فرمایند:

إِنَّ أَحَبَّتَ أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ فَسِرَّ أَبَوَيْكَ.

اگر دوست داری که خداوند عمرت را
زیاد کند، در و مادرت را شاد کن.

رَبِّهِمْ عَلَیْهِمُ وَالْمُحَمَّدِ وَعَلَىٰ فِجْهَمُ

بحار الانوار (ط مؤسسة الوفاء) ، جلد ۷۴ ، صفحه ۸۱

حدیث ۸۴

پرسش ۱۳:



چه چیز بهشت « ذلت » دارد؟

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا

وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذِيلًا

(إنسان/۱۴)

و سایه‌هایش به آنها نزدیک است و میوه‌هایش برای چیدن رام‌اند.





پیشی ۱۴:



«انواع عزّت» کدامند؟

اوّل:

« عزّتِ پایدار » و « تفوّقِ مستمر »،

و « پیروزیِ قطعی » در « آینده »،

که محصولِ « تسلیمِ خدا بودن » است:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ
وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ

.... (فاطر/ ۱۰)

هر که « عزت و قاهر بودن » را می‌خواهد بداند که عزت فقط از آن خداست
البته « سخنان پاکیزه به نزد او بالا می‌رود » و « کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد »

دوم:

« عزّت موقّتی » و « تفوّق ناپایدار »،

و « إختلاف » و « إنشعاب »،

و « نابودی » در « آینده »،

که⁸⁴ حاصلِ « مکر و گناه و بردگیِ کفّار » است:

... وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ

(فاطر/۱۰)

... و آنها که با نیرنگ کارهای بد می کنند

عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان قطعاً تباه می شود.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (ص/۲)

آری آنها که « خودپرستی » دارند،

دنبال⁸⁶ « سلطه‌گری » و « تفرقه‌افکنی » اند.

سه پرستی:



چرا «امام» را در بیابان
کربلا «متوقف» کردند؟

چرا « شهداء » کربلا را
با اسب « لگدمال » کردند؟

چرا «شهادت» حضرت علی اکبر

علیه السلام

عامل «مسرت» سپاه کوفه شد؟

زیرا می‌پنداشتند که می‌توانند:

«امام» و «اسلامِ ناب» را

در آن «صحرا» کاملاً «نابود» کنند،

و خیلی زود به «شهوات» خودشان برسند.

پس « عزیز » کیست؟



پس عزیز، « **نگرانِ آینده** » است:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ ... (توبه/۱۲۸)

رسولی از خودتان برایتان آمده که نگران است رنج و آسیبی به شما برسد ...

پس عزیز، پاسخگوی «نیازهای آینده» است:

...وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

(فصلت/۴۱)

... و این کتابی «جامع و خدشه‌ناپذیر و تأمین‌کننده» است.

پس «نَصْر عزیز»،

«حمایتی مداوم و پایدار» است:

وَيَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا

(فتح/۳)

و تو را با نصرتی ارجمند یاری می کند.

چرا حزب الله « پیروز » است؟

چون: « جبهه حقّ و جریان مؤمنین » (نه افراد مؤمن)،

از « ولایت و دفاع و نصرت دائمی خدا » برخوردار است:

۱- **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا** ... (بقره/۲۵۷)

۲- **إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا** ... (حج/۳۸)

۳- ... **كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ** (روم/۴۷)

پس « عزّت^س » و « اقتداری » که

محصول « جهالت » و « مَکر^س »،

و مزدوری برای « کفّار^س و دشمن » باشد،

هیچ « آینده » و « دوا^سمی » ندارد:



« قبر معاويه ملعون »



خدایا:

« **عقلانیت** و **ایمان** » ما را چنان تقویت کن،

که از هر نوع « **ذلتی** » بپرهیزیم،

و خود را به اوج « **عزت** **ماندگار** » برسانیم،

در « **ظهورِ آخرین حجت** » سهیم باشیم.